

# چشم‌انداز آتی ناسیونالیسم قومی در آذربایجان ایران

سخنران: میرقاسم بنی‌هاشمی

## مقدمه

ناسیونالیسم قومی در هر جامعه چندقومی خصوصاً ایران نیاز به یکسری تأملات و بررسی‌های مرتبط با حوزه‌های مختلف تحقیقاتی دارد؛ چرا که ناسیونالیسم، قومیت و قوم‌گرایی، یک پدیده یا حوزه‌ای بین رشته‌ای است که برای بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و یا تشدید آن باید از علوم مختلف همچون جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل، سیاست مقایسه‌ای، روانشناسی اجتماعی، حقوق اساسی، اقتصاد سیاسی، حقوق بین‌الملل و حتی رشته‌های دیگری مثل مردم‌شناسی بهره‌گرفت. نکته دیگر اینکه با الهام از برخی رویکردهای مختلف علمی و برخی نظریه‌ها، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یا تشدید ناسیونالیسم قومی در جوامع چندقومی در هفت محور دسته‌بندی می‌گردد که طبیعتاً این محورها دارای فروعات خاص خود هستند و همین‌طور از منظر هر محقق می‌تواند قبض و

عنوان بحث، «چشم‌انداز آتی ناسیونالیسم قومی در آذربایجان ایران» است که در چهار بخش ارایه می‌شود، در بخش اول به نکاتی مقدماتی و کلی اشاره می‌شود. بخش دوم به رویکردهای نظری و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یا تشدید ناسیونالیسم قومی در جوامع چندقومی اختصاص دارد. در بخش سوم به بحث ایران و مسائل آذربایجان خواهیم پرداخت و چشم‌انداز ناسیونالیسم قومی در آذربایجان را در سه محور ۱. ایدئولوژی یا اهداف جنبش قومی آذربایجان، ۲. پایگاه اجتماعی نیروهای فعال جنبش قومی، ۳. رفتارشناسی نخبگان و توده اجتماعی، مورد بررسی قرار خواهیم داد و در بخش آخر نیز نتیجه‌گیری کوتاهی را ارایه خواهیم کرد.

در اینجا لازم است به چند نکته ضروری اشاره کنم: نکته اول اینکه امکان ارایه چشم‌اندازی نزدیک به واقعیت از آینده و روند

قومی در هر کشور را باید مرتبط با این عوامل دانست و این مؤلفه‌ها تقریباً روند آتی ناسیونالیسم قومی را رقم می‌زنند.

عامل اول این است که از منظر مناسبات و روابط قومی، ساختار توزیع منابع قدرت در جامعه مورد نظر چگونه است؟ آیا از منظر اقتصادی، نظام توزیع منابع قدرت مساوات‌گرا و عدالت محور است و یا بر مبنای مدل‌های دیگری مثلاً مرکز - پیرامون استوار است؟ از منظر سیاسی آیا مناسبات روابط قومی - قوم اقلیت و اکثریت - مشارکتی است یا اقتدارگرا؟ به عبارتی دمکراتیک است یا غیردمکراتیک؟ از منظر فرهنگی آیا توزیع منابع قدرت تکثرگر است یا انحصارگرا؟ قوم محور است یا ملت محور؟ بنابراین اولین عامل به وضعیت توزیع منابع قدرت بازمی‌گردد و ضرورت دارد تا برای ارایه چشم‌اندازی واقعی از ناسیونالیسم قومی در هر کشور از ماهیت و نوع مناسبات روابط قومی در توزیع منابع قدرت شناخت کافی داشت.

عامل دومی که می‌تواند بر ناسیونالیسم قومی در هر کشوری موثر باشد وضعیت خود جنبش ناسیونالیسم قومی با توجه به سه محور ایدئولوژی، ساز و کارها و شیوه‌های پیگیری مطالبات و همین‌طور پایگاه اجتماعی است که با عبارت کلی «وضع فعلی و گرایش حاکم بر آن» باید تعریف شود.

مؤلفه تأثیرگذار دیگر، تجربه تاریخی تعاملات و روابط اقوام است. آیا روابط اقوام

بسسط خاصی پیدا کند. هدف از چنین دسته‌بندی این است که هم جایگاه این بحث در بین عوامل موثر بر شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی مشخص شده و هم اینکه موضوع در چارچوب یکی از این محورها ارایه شود.

لازم است تعریفی از ماهیت ناسیونالیسم قومی در ایران و آذربایجان ارایه کنم که البته شاید بتوان گفت تعریفی استنباطی از مسائل قومی در ایران است: «ناسیونالیسم قومی جنبش یا نیروی سیاسی اجتماعی منبعت از ویژگی‌های قومی است که درصدد تحقق و کسب برخی مطالبات سیاسی - اجتماعی قومی است.» که با توجه به ایدئولوژی قومی، روش‌ها و ساز و کارهای دستیابی به مطالبات و همین‌طور گستره و عمق آن، می‌تواند سنخ‌ها و گونه‌های متعددی به خود بگیرد. بنابراین ناسیونالیسم دارای گونه‌های متعددی است که با توجه به سه محور عمده ایدئولوژی، شیوه‌ها و سازوکارهای پیگیری مطالبات و همین‌طور پایگاه اجتماعی فعالان قومی، صورت‌های مختلفی می‌تواند به خود بگیرد.

## الف - عوامل موثر بر شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی

عوامل موثر بر شکل‌گیری یا تشدید ناسیونالیسم قومی در جوامع چندقومی به اقتضای خاص هر جامعه متعدد است و چشم‌انداز تشدید یا تضعیف ناسیونالیسم

در طول تاریخ رابطه‌ای سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بوده است؟ آیا نظام زندگی جمعی اقوام در کشور مورد نظر، فدرالی، خودمختار یا فئودالی بوده است؟ تجربه تاریخی هر یک از این شیوه‌های زندگی جمعی می‌تواند بر وضعیت فعلی و آینده ناسیونالیسم قومی در هر کشور مؤثر باشد.

عامل چهارمی که می‌توان طرح کرد این است که: واکنش و حساسیت آتی کانون‌های قدرت جهانی و منطقه‌ای نسبت به مسأله اقوام در آن کشور خاص چه خواهد بود؟ آیا سازمان‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با انگیزه‌های خاصی مسأله قومی را در یک کشور پیگیری خواهند کرد و یا اینکه بی‌تفاوت خواهند بود؟ خود این مسأله برای بسیاری از جوامع چندقومی در یکی دو دهه اخیر بسیار مهم بوده است و همین‌طور در آینده مهم خواهد بود، به عبارت دیگر وضعیت دوستان و دشمنان دولت مرکزی و یا قوم مسلط از عوامل تاثیرگذار ناسیونالیسم قومی در یک کشور است. این عامل بسیار متغیر و سیال نیز هست، زیرا ممکن است دشمنان امروزی یک دولت مرکزی که با استفاده از اهرم مسایل قومی با آن چالش‌ها و اختلافاتی دارند در آینده به دوستانی نزدیک تبدیل شوند و طبیعتاً افکار دولت مرکزی از حیث تحریک عوامل بیگانه آسوده شود.

عامل پنجم، شرایط ژئواستراتژیک یا جغرافیای ترکیب قومی هر جامعه است. از

این منظر هم شاخص‌ها و مولفه‌های متعددی را می‌توان مطرح کرد. نسبت عددی اقلیت بر اکثریت در یک جامعه چگونه است؟ وضعیت سرزمینی ترمکز اقوام چگونه است؟ همسانی‌های قومی با کشورهای پیرامونی چگونه است؟ شکاف‌های اجتماعی چگونه است، مرکب، ساده یا چندوجهی و همین‌طور توانمندی‌های فرهنگی، اقتصادی و ارتباطاتی اقوام و نیز کشورهای همجوار که همسانی خاصی با اقوام پیرامونی یک کشور دارند می‌تواند بر چشم‌انداز آتی ناسیونالیسم قومی مؤثر باشد.

عامل ششمی نیز می‌توان مطرح کرد: اینکه روند و وضعیت ملت‌سازی و دولت‌سازی در یک کشور چگونه است؟ به عبارتی دیگر بر مبنای نظریه بحران‌های سیاسی، آیا کشور از بحران‌های چندگانه گذر کرده است؟ و یا اینکه درگیر پیچ و خم‌های ملت‌سازی و دولت‌سازی است؟ برای آرایه چشم‌انداز آتی از مسائل قومی در هر کشور ضرورت دارد که وضعیت هر یک از این بحران‌ها بررسی شده و یک رویکرد مطمئن آرایه شود.

عامل موثر دیگر در تشدید و یا تعدیل جنبش‌های قومی این است که نگرش و گرایش اقوام نسبت به هویت ملی، منافع ملی، امنیت ملی و دولت ملی چیست؟ آیا نگرش اقوام نسبت به این مولفه‌ها و مفاهیم با رویکرد مسلط دولت مرکزی یا قوم مرکزی

نمود که آیا ایدئولوژی قومی در آذربایجان ایران مبنی بر اصالت قومی آذربایجانی‌ها و طرد قوم‌های دیگر است.

یاسخ اجمالی این بحث مبتنی بر مشاهدات، تجربه‌ها، مطالعه مطبوعات و فعالیت‌های تبلیغات انتخاباتی و برخی از تألیفات اندیشمندان و نخبگان آذربایجان است. البته قبل از ورود بر این بحث لازم به یادآوری است که این بررسی متکی و مبتنی بر رفتارها و نگرش‌هایی است که در سطح جامعه از طریق مطبوعات، گردهمایی‌ها و اساسنامه‌ها و نطق‌های انتخاباتی و غیره قابل دستیابی است. وقستی در اینجا بحث از ایدئولوژی جنبش قومی یا ناسیونالیسم قومی می‌شود، مبتنی است بر آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد و نه مبتنی بر مباحثی که در خارج از کشور و یا توسط گروه‌های مخالف نظام مطرح می‌شود. یعنی این بررسی با تاکید بر مطبوعات و رفتار نخبگان داخلی و توده‌های اجتماعی انجام شده و موضوعی است که همه می‌توانند بررسی کنند.

در مبحث ایدئولوژی قومی می‌توان گفت گرچه ایدئولوژی قومی در آذربایجان در بین نخبگان و برخی از فعالان سیاسی روشنفکر آذری مبتنی بر شکاف قومی است که قابل انکار نیست و طبیعتاً اگر غیر از این بود بررسی مسأله موضوعیتی نداشت، ولی این تمایز و شکاف قومی مبتنی بر اصالت قومی آذربایجانی‌ها بر دیگر اقوام یا طرد حاکمیت

منطبق است یا نه، آیا اقوام تعریف دیگری از این مولفه‌ها و مفاهیم برای خودشان دارند؟ طبیعی است که آشنایی با چنین رویکردی نیاز به یکسری پروژه‌های پیمایشی کلان دارد و اگر نهادهای ملی در صدد حل مسایل قومی باشند ضروری است که چنین پروژه‌های کلان تحقیقاتی در دستور کار قرار بگیرد.

## ب - وضعیت ناسیونالیسم قومی در آذربایجان

بعد از این مقدمه و یادآوری پیچیدگی‌های نظری بررسی مسایل قومی و عوامل عدیده مؤثر بر تشدید یا تعدیل قوم‌گرایی، به بحث جنبش قومی در آذربایجان می‌پردازیم. البته این بحث از منظر عامل دوم یاد شده از بین عوامل هفتگانه با محوریت ایدئولوژی قومی این جنبش، ساز و کارها و شیوه‌های پیگیری مطالبات، و همین‌طور پایگاه اجتماعی این جنبش مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش‌شناسی طرح مسأله مبتنی بر رفتارشناسی گروه‌های اجتماعی و توده‌های مردمی در دهه ۱۳۷۰ شمسی بوده است.

### ایدئولوژی قومی

ماهیت ایدئولوژی قومی نقش مهمی در چشم‌انداز آتی ناسیونالیسم قومی در ایران می‌تواند داشته باشد بنابراین جهت درک ماهیت اهداف قومی این سؤال را باید مطرح

ملی یا قوم مرکزی نیست بلکه مبتنی بر یکسری مطالبات و درخواست‌هایی است که به منظور رفع تبعیض به ویژه در حوزه فرهنگی و تا حدودی رفع محرومیت‌ها در حوزه اقتصادی مطرح می‌شود. ۷۰ تا ۸۰ درصد این مطالبات که در این سال‌ها به کرات در مطبوعات و سخنرانی‌های انتخاباتی مطرح شده، بیشتر مبتنی بر مطالبات فرهنگی بوده‌است، تا سیاسی و یا حتی اقتصادی صرف. نسل جدید روشنفکران یا تحصیل‌کردگان آذری و به طور کلی نیروهای فعال قومی، برخلاف مارکسیست‌ها یا سوسیالیست‌های چپ قبل از انقلاب از نیروی قومی به عنوان ابزار و یا پشتوانه پیگیری و پیشبرد اهداف و مرام‌های حزبی خود با عناوین و شعارهایی مانند مبارزه برای رهایی خلق‌ها استفاده نمی‌کنند، بلکه بیشتر به دنبال تحقق برخی مطالبات و خواسته‌های فرهنگی و مدنی قومی هستند.

از این رو است که در ایدئولوژی قومی نخبگان یا فعالان قومی آذری، از یکسری مفاهیم و یا تعبیری مانند آنچه در ادبیات چپ و نیروهای سوسیالیست و غیره مرسوم بود استفاده نمی‌شود. لذا نیروی محرک فکری جنبش قومی آذربایجان مبتنی بر تمایزات و ویژگی‌های فرهنگی است و تلاش برای تحقق برخی اصول مطلق مانده قانون اساسی و رفع محدودیت‌های فعالیت‌های فرهنگی محور عمده‌ی این حرکت است. در مجموع

رویکردهای فکری نخبگان و شخصیت‌های آذری بدین صورت قابل صورت‌بندی است: رویکردی دمکراتیک به سیاست و تمرکززدایی از قدرت سیاسی که توزیع قدرت سیاسی یکی از مطالبات اساسی این جنبش است که تا حدود زیادی با جنبش دوم خرداد همخوانی دارد با این تفاوت که در بحث تفویض اختیارات به مسئولین منطقه‌ای و عامل صرف نبودن مسئولین منطقه‌ای ویژگی و تمایز خاصی نسبت به جنبش دوم خرداد پیدا می‌کند. البته در جنبش دوم خرداد نیز افراد و گروه‌هایی بر تمرکززدایی تأکید داشته‌اند و حتی تفویض اختیارات به مسئولین منطقه‌ای را تأکید کرده‌اند. اما در حوزه اجتماع و اقتصاد رویکردی عدالتخواه و مساوات‌طلب و در حوزه فرهنگ رویکردی پلورالیستی دارند. آنها خواستار توجه کافی دولت و نخبگان فرهنگی به زبان و فرهنگ آذربایجان و ایجاد برخی تمهیدات برای حفظ و پایداری از این فرهنگ هستند. در مجموع به لحاظ فکری باید اشاره کرد که این جنبش در چند سال اخیر برای دوم خرداد پشتوانه بسیار قابل اطمینانی بود و همواره فعالان آن در سطوح مختلف چه توده‌های اجتماعی، دانشجویان و قشر متوسط و چه نخبگان فرهنگی - سیاسی کمک‌های شایانی را برای پیشبرد اهداف دوم خرداد، داشته‌اند. البته در یکی دو سال اخیر، حمایت کامل از جنبش دوم خرداد با تردیدهایی مواجه شده چنانکه

پایگاه اجتماعی در انتخابات برگزار شده می‌تواند مشابهت این جنبش با دوم خرداد را شفاف‌تر نماید؛ در پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند سال ۱۳۷۴ یکی از کاندیداهای شهر تبریز برخی اهداف و برنامه‌هایی مبتنی بر خواسته‌های فرهنگی قومی مطرح کرده بود که اگر مقایسه‌ای از لحاظ روانشناختی و به لحاظ استقبال اجتماعی از ایشان در انتخابات ۷۴ مجلس و کاندیدای پیروز انتخابات ۷۶ ریاست جمهوری در این شهر داشته باشیم به لحاظ استقبال مردمی و عطف توجه به آنان مشابهت‌های زیادی می‌توان یافت که قبل از آن چنان مشابهت‌هایی را نمی‌توانستیم پیدا کنیم، هر چند که کاندیدای ریاست جمهوری در انتخابات دوم خرداد رویکردی فرامنطقه‌ای و فراقومی به اصلاحات داشت و کاندیدای مورد توجه مردم تبریز در انتخابات سال ۷۴ مطالبات و رویکردی فرهنگی قومی در انتخابات مجلس ارائه کرده بود.

البته باید یادآوری کرد که در آذربایجان خودآگاهی قومی که مبنای فعالیت و حرکت سیاسی بین توده‌های اجتماعی باشد به گستره جنبش دوم خرداد نیست لذا در یک ارزیابی کلی باید اشاره کنم که مهم‌ترین پایگاه اجتماعی این جنبش بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و دانشجویان است که نقش مهمی در خودآگاهی قومی اقشار اجتماعی به خصوص طبقات متوسط شهری دارند و

در سطح ملی نیز کارآمدی و موفقیت‌آمیز بودن جنبش دوم خرداد با تردیدهایی روبه‌رو شده است. در آذربایجان نیز پیام دوم خرداد بتدریج با بی‌اعتمادی روبه‌رو گشته است و حتی از جانب برخی فعالان سیاسی، مطبوعاتی و دانشگاهی با انتقادات و حتی اعتراضاتی روبه‌رو شده است و تعبیر برخی از این فعالان این است که جنبش دوم خرداد، اقوام را از قطار اصلاحات جا گذاشت.

## د - پایگاه اجتماعی و شیوه‌های طرح مطالبات قومی

طبق یک تقسیم‌بندی عرفی، نیروهای فعال اجتماعی یک جنبش را به سطوح سه‌گانه مختلف یعنی توده‌های مردمی یا بخش قاعده هرم، نخبگان فرهنگی و سیاسی یا رأس هرم و سطوح میانی جنبش که آگاهان فعال اجتماعی به ویژه دانشجویان و تحصیل‌کردگان عالی تقسیم‌بندی می‌کنند. پایگاه اجتماعی جنبش قومی در آذربایجان را نیز در هر سه سطح می‌توان مشاهده و بررسی کرد. همچنین می‌توان شخصیت‌های سیاسی و برخی مقامات سیاسی حکومتی را نیز به طور نسبی و ضمنی به پایگاه اجتماعی در سطح رأس هرم اضافه نمود. ترکیب پایگاه اجتماعی این جنبش مشابهت زیادی با جنبش دوم خرداد دارد با این تفاوت که فراگیری اجتماعی این جنبش به شدت دوم خرداد نیست. یک بررسی مقایسه‌ای به لحاظ

ایران، موضوعات مختلف فرهنگی، شخصیت‌ها و موسیقی کتابهای قابل توجهی تألیف و تدوین شده است. همچنین تألیف لغت‌نامه‌های معتبر به زبان ترکی - آذربایجانی و ترجمه فرهنگ‌های لغت چند جلدی از فعالیت‌های فرهنگی نویسندگان آذری در حوزه زبانشناسی است. از دیگر فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان آذربایجان می‌توان به تألیف دایرةالمعارف‌های چند جلدی شخصیت‌شناسی اشاره کرد در یکی از این دایرةالمعارف‌ها که در اواخر سال ۷۹

چاپ شد ۳ هزار تن از شخصیت‌های فرهنگی سیاسی اجتماعی آذربایجانی را معرفی کرده است. برگزاری سمینارهای علمی - تخصصی در زمینه زبانشناسی برای تدوین رسم‌الخط مشترک، قرائت مشترک، برگزاری کلاس‌های تدریس زبان و تاریخ ترک‌های ایران در دانشگاه‌ها و مراکز غیردولتی، حضور در محافل دانشجویی برای ایراد سخنرانی و اخیراً تلاش‌هایی برای تاسیس مؤسسات علمی و فرهنگی از دیگر فعالیت‌های فرهنگی نخبگان آذری است که بیانگر نهادینه شدن حرکت‌های خودجوش و فردی نخبگان است.

در خصوص تلاش برای سامان بخشیدن به فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی می‌توان به طرح برخی شخصیت‌های فرهنگی آذربایجانی برای ایجاد و تاسیس پژوهشگاه یا پژوهشکده آذربایجان‌شناسی در تبریز

اصلی‌ترین حلقه واسط بین توده‌های اجتماعی و نخبگان سیاسی - فرهنگی هستند که نقش موثری هم در عرصه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی داشته‌اند.

در ادامه بحث ضمن بررسی ماهیت واکنش بخش‌های مختلف جامعه در قبال طرح مطالبات قومی پایگاه اجتماعی این نیروها نیز تبیین می‌شود. ابتدا به برخی فعالیت‌ها و حرکت‌های نخبگان اشاره می‌شود.

### ۱- نخبگان و فعالان قومی

منظور از نخبگان برخی از نویسندگان، محققین و اندیشمندان فکری هستند که در حال حاضر بیشتر در حوزه ادبیات، تاریخ، زبان و کلاً ویژگی‌های فرهنگی آذربایجان فعالیت می‌کنند. فعالیت‌های نخبگان فرهنگی و علمی در دهه ۱۳۷۰ در قیاس با ۶۰ سال قبل از آن گویای شکل‌گیری حرکتی فرهنگی با گسترش تدریجی آن است. یعنی اگر فعالیت‌های فرهنگی بین سال‌های ۱۳۷۰ - ۱۳۰۰ را در نظر بگیریم و آن را با فعالیت‌های فرهنگی و علمی دهه هفتاد که در حوزه میراث فرهنگی آذربایجان صورت گرفته مقایسه کنیم به یکسری نتایج و نکات قابل توجهی خواهیم رسید. تألیف صدها کتاب علاوه بر کتاب‌های شعر که بیشتر آنها تحقیقاتی هستند. درباره زبان ترکی آذربایجانی، تاریخ آذربایجان و ترک‌های

شروع شد که بخش افکارسنجی یکی از نهادها و احتمالاً صدا و سیما در این سال، در مراکز ۲۰گانه آموزش و پرورش تهران یک نظرسنجی انجام داده بوده و سؤال‌هایی از دانش‌آموزان تهرانی در خصوص نظر آنها نسبت به آذربایجانی‌ها و به طور کلی ترک‌ها مطرح کرده بود. مثلاً پرسیده بودند اگر همسایه شما یک ترک باشد آیا شما احساس راحتی می‌کنید؟ آیا شما حاضرید خواهرتان با یک ترک زبان ازدواج کند؟ اگر با یک ترک همکار یا همسایه باشید احساس راحتی می‌کنید؟

ممکن است برای انجام چنین نظرسنجی انگیزه‌های متفاوتی مطرح کرد و شاید برخلاف استنباط‌ها و برداشت‌هایی که دانشجویان آذربایجانی داشتند نظرسنجی انجام گرفته یک پژوهش جامعه‌شناختی صرف بوده باشد. در مخالفت با این نظرسنجی ابتدا در دانشگاه تهران و بعد از آن در تبریز دانشجویان آذربایجانی اعتراض خود را از سطح دانشگاه به داخل شهر و در روز جمعه نیز دامنه اعتراض را به نماز جمعه کشاندند که برای اولین بار حرکت دانشجویان را در قبال یک مسأله قومی نشان می‌داد و مهم‌تر اینکه این حرکت به عنوان یک پدیده سیاسی و مسأله قومی در شهر تبریز و کشور مطرح شد چنانکه صدا و سیما مجبور شد در همان زمان در اخبار سراسری اعلام کند این نظرسنجی از طرف صدا و سیما نبوده و به این

اشاره کرد که طبق اساسنامه پیشنهادی، بازشناسی تحقیقی و پژوهشی تاریخ آذربایجان و گسترش مطالعات در حوزه‌های مختلف، فرهنگی و زبان آذربایجان از مفاد اصلی طرح است. هدف اساسی از پیشنهاد ایجاد پژوهشکده آذربایجان‌شناسی، تمرکز و سامان بخشیدن به فعالیت‌های تحقیقاتی و بازشناسی و نقد تاریخ‌نویسی دولتی دوره پهلوی است که این حرکت می‌تواند نمونه‌ای از نهادینه شدن حرکت در بعد علمی فعالیت‌های فرهنگی نخبگان قلمداد شود. انتشار نزدیک به ۶۰ نشریه در استانهای مختلف از دیگر فعالیت‌هاست که خود می‌تواند موضوع بررسی خاصی باشد.

## ۲- دانشجویان و تحصیلکردگان

اما دانشجویان و قشرهای تحصیلکرده دیگر پایگاه عمده اجتماعی جنبش قومی آذربایجان هستند که می‌توانند بیشتر از دیگر اقشار اجتماعی به آگاهی‌های قومی، طبقاتی، دسترسی پیدا کرده و آنها را به جامعه منتقل کنند. آنچه که به طور نسبی می‌توان گفت این است که بخش تحصیل کرده و دانشجو ایده‌های اصلی خود را از بخش نخبگان علمی و فرهنگی اخذ کرده و نقش خاصی در فراگیر کردن نسبی خودآگاهی قومی در بین توده‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. نقطه عطف فعالیت‌های هویت‌گرای جمعی دانشجویان و برخی تحصیلکردگان از سال ۷۲ و هنگامی



است که در اوائل دهه ۷۰ بین دانشجویان و نخبگان حکومتی مانند نمایندگان مجلس و برخی از نهادهای سیاسی استان مثل، استاندار و فرماندار و غیره، یک شکاف فکری عمیقی وجود داشت. بدین معنی که مثلاً نمایندگان مجلس در نیمه اول دهه ۱۳۷۰ مشی بسیار محافظه کارانه نسبت به مطالبات فرهنگی قومی داشتند و حرکت‌های دانشجویی و طرح برخی مطالبات قومی را تأیید نمی‌کردند و حتی گاه نیز به این حرکت‌ها سوءظن داشتند. لذا از همکاری و نزدیکی با این حرکت‌ها به شدت اجتناب می‌کردند. به عنوان مثال باید نتایج و شیوه‌های برخورد دانشجویان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی آذربایجان در نشست مشترک سال ۷۲ را مطرح کرد. در این نشست نزدیک به ۱۰ نفر از نمایندگان شهرهای مختلف آذربایجان در تالار شیخ مرتضی انصاری دانشکده حقوق تهران جهت بررسی و طرح برخی مشکلات و موضوعات دعوت شدند. اما اختلاف نظر و شکاف فکری بین دانشجویان و نمایندگان حتی در شیوه برگزاری جلسه نسبت به زبان ارایه مقالات و مسایل آنچنان بود که در نهایت جلسه به تشنج و جنجال کشیده شد و به تشدید اختلاف‌ها انجامید.

اما این روند در سال‌های اخیر، تعدیل قابل توجهی یافته است. مثلاً در برنامه‌های انتخاباتی منتخب اول مردم تبریز در ششمین

سازمان مربوط نیست. به هر حال این حرکت نقطه عطفی بود برای آغاز برخی حرکت‌های هویت‌خواهی و خودآگاهی قومی.

از دیگر حوزه‌های مهم فعالیت‌های دانشجویی عرصه انتخابات بوده است. جهت‌دهی افکار عمومی در راستای مطالبات قومی و یکسری درخواست‌های منطقه‌ای، در انتخابات نمود فزاینده‌ای داشته است. از دیگر اقدامات دانشجویی می‌توان به برگزاری همایش‌ها و سمینارهای دانشجویی در شهرهای مختلف، گرامیداشت شخصیت‌های علمی معاصر یا قدیمی آذربایجان، برگزاری برخی از اجتماعات، صدور بیانیه‌ها به مناسبت‌های مختلف، نامه به سران کشور در طرح برخی درخواست‌های قومی و یا اعتراض به برخی اقدامات نهادهای کشور اشاره کرد. طومارهایی که فقط در این چهار سال اخیر دانشجویان به سران سه قوه، مجلس و دیگر نهادها تنظیم و ارسال کردند به ۱۷ مورد می‌رسد. این طومارها و نامه‌ها حساسیت دانشجویان را نسبت به مسایل، سیاست‌ها و رفتار و شخصیت‌های دولتی، نشان می‌دهد و گویای آن است که دانشجویان در زمان‌های مختلف واکنش‌های خاصی را نسبت به برخی از رفتارها و سیاست‌ها ابراز داشته‌اند.

در بحث همکاری‌ها، فعالیت‌ها و تعاملات دانشجویان و نخبگان سیاسی به ویژه مقامات حکومتی محلی نکته مهم این

نخبگان حکومتی است. به عنوان مثال در اجتماع دانشجویی که چندی پیش از طرف مجمع دانشگاهیان آذربایجان صورت گرفت چهار نفر از نمایندگان آذربایجانی حمایت صریح خود را از فعالیت‌های فرهنگی و درخواست‌های قانونی دانشجویان و نخبگان اعلام کردند. روند تعدیل ذهنیت نمایندگان آذربایجان به مسایل قومی طوری رو به رشد است که در سال گذشته یک هفته‌نامه و یک ماهنامه به مدیر مسؤلی دو نماینده تبریز در حوزه مسائل آذربایجان انتشار یافته است.

جهت آشنایی نسبی در این زمینه به مواردی از اهداف مطروحه در یک از هفته‌نامه‌ها اشاره می‌شود، که توسط یکی از نمایندگان تبریز راه‌اندازی شده است. محورهایی که این هفته‌نامه برای فعالیت خود در نظر گرفته عبارت است از: تهیه اخبار منطقه‌ای و کشوری با گرایش مناطق ترک زبان، اخبار بین‌المللی مرتبط با ایران و مناطق یاد شده، مطالب و نوشته‌هایی در توسعه شهرستان‌های آذربایجان غربی و شرقی، زنجان و اردبیل، آموزش و پرورش، اشتغال، مهاجرت و مشکلات و مسائل شهرنشینی و غیره. مقایسه‌های اقتصادی - صنعتی معدنی و صادراتی استان‌های تحت پوشش نشریه، تحلیل و گزارش درباره موضوعات داخلی و کشورهای همسایه منطقه و سایر کشورها، اشاره‌های تاریخی به مفاخر، آثار ادبی، پیشینه تاریخی، نویسندگان، هنرمندان و

دوره انتخابات نمایندگان مجلس، اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی از طریق تدارک همایش‌های ادبی، تدوین و تنظیم ادبیات آذربایجان، ایجاد فرهنگستان ادب و هنر آذربایجان، تهیه، تدوین و تقدیم طرح‌های قانونی برای تدریس زبان و ادبیات آذربایجان در مراکز آموزش عالی و آموزش عمومی طرح شده بود. که این رویکرد را در اوایل دهه هفتاد و قبل از آن نمی‌توانیم ببینیم. بنابراین قبل از این، تردید شدیدی بین نمایندگان و مقامات سیاسی وجود داشت که اصلاً به حوزه این مسائل وارد نشود و این حوزه، یک حوزه خطرناک و خوفناکی برای آنها بود. همچنین نفر سومی که در انتخابات مجلس ششم به نمایندگی مردم تبریز برگزیده شدند در نطق‌های انتخاباتی و نیز در بروشورهای انتخاباتی، نگرشی جدید را در بحث مطالبات قومی مطرح کرده بود. از جمله تردد نگرش ضدانیمیتی به زبان و ادبیات و فرهنگ اقوام و آذربایجان. همچنین در تحلیل نگرش دیگر نمایندگان نسبت به مسایل قومی می‌توان به مصاحبه‌ای با ۲۰ نفر از نمایندگان اشاره کرد که غیر از چهار مورد ۱۶ نفر از نمایندگان نگرش‌های مثبتی نسبت به فعالیت‌های دانشجویان در حوزه مطالبات قومی داشتند. بنابراین تلطیف و تعدیل رویکردهای نمایندگان مجلس به مطالبات قومی در چند سال اخیر قابل توجه است و به نوعی حاکی از فراگیر شدن این حرکت در بین

عبدالعلی زاده را در کابینه قرار دهند. همین طور تاکید بر بومی بودن استانداردهای جدید آذربایجان شرقی و غربی و البته تا حدودی اردبیل و زنجان و بروز چالش‌های چند ماهه در سال ۱۳۸۰ بین وزارت کشور و نمایندگان آذری در نهایت نتیجه چانه‌زنی‌های اعمال فشارها این بود که دو استاندار بومی برای استانداری آذربایجان شرقی و غربی انتخاب شوند.

### ۳- توده‌های اجتماعی

در بخش توده‌های اجتماعی هم به برخی علائم آگاهی‌های قومی و به نوعی مطالبات هویت‌گرایانه می‌توان اشاره کرد. در میان توده‌های اجتماعی نیز استعداد‌های قابل مشاهده‌ای برای بسیج‌پذیری قومی و یا هویت‌یابی قومی وجود دارد. در مواقع مختلفی چه در انتخابات یا مطبوعات یا یکسری فراخوان‌های دیگر که در مورد مطالبات قومی طرح مسأله شده، استقبال خاصی از طرف مردم صورت گرفته است. مثلاً در انتخابات مجلس پنجم در سال ۷۴ تبریز، فردی گمنام و بدون پشتوانه خاص در میان نزدیک به یکصد کاندیدا جزء نفرات اول شد که تحقق مطالبات فرهنگی و مدنی قومی محور تبلیغات و فعالیت‌های وی بود. آرای این نماینده در تبریز از طرف فرمانداری نزدیک به یکصد و ده هزار رای اعلام شد. که این حجم آرا در مقایسه با دیگر کاندیداها،

شاعران، توجه به میراث فرهنگی و آثار باستانی آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل و زنجان، قصه، داستان و حکایت‌های فولکلورولیک ترکی، سینما، تئاتر، موسیقی، رقص، نقاشی، خط، مجسمه‌سازی، ادبیات و شعر و مباحث قوم‌شناسی، فرهنگ نگاری، اقلیم‌شناسی آذربایجان، آداب و رسوم و اعتقادات مردمی، پوشش خبری سمینارها، همایش‌ها و جشنواره‌های مرتبط با موضوع نشریه، بها دادن به سایر اقوام ترک زبان ایران همانند قشقایی‌ها، ترکمن‌ها و خلیج‌ها، توجه معقول به مسایل سایر اقوام ایرانی، عرب، بلوچ، کرد و غیره. مباحث زبان‌شناسی و واژه‌شناسی و املای مربوط به زبان ترکی و صفحات ترکی ویژه کودکان.

چنین رویکردی که برخی شخصیت‌های حکومتی برای فعالیت‌های فرهنگی و مطبوعاتی خود در نظر می‌گیرند تحولی قابل توجه نسبت به اوایل دهه هفتاد است و همین‌طور، یکی از مصادیق دیگر تعدیل ذهنیت منفی نمایندگان آذربایجان نسبت به بومی‌گرایی، هنگام تعیین کابینه دولت آقای خاتمی خودش را نشان داد. تاکید نزدیک به هفتاد نفر از نمایندگان آذربایجان و شهرهای مرتبط این بود که باید حتماً دو نفر از وزرای آذربایجانی در کابینه حضور داشته باشند که نهایتاً با توجه به یکسری چالش‌هایی که در مجلس پیش آمد توانستند، دو وزیر آذربایجانی یعنی آقای پزشکیان و آقای

احساساتی و عاطفی نیست بلکه بر مبنای آگاهی‌هایی است که برخاسته از شعور اجتماعی و سیاسی آنهاست و در تاریخ معاصر کشورمان نیز رگه‌های قابل توجهی از آن را می‌توان یافت.

همین‌طور استقبال از مطبوعات هویت‌گرا در بین توده مردم بسیار قابل توجه است که به اختصار توضیحاتی درباره دو نشریه ارایه می‌شود:

نشریه شمس تبریز به عنوان مهم‌ترین نشریه علاقمند به مسائل قومی و منطقه‌ای وقتی در اواخر سال ۱۳۷۷ شروع به کار کرد، دو هفته نامه بود و با شمارگان دو هزار نسخه به چاپ می‌رسید، که بعد از چندماه با توجه به استقبال‌هایی که صورت گرفت تبدیل به هفته نامه شد و در عرض دو سال شمارگان آن به بیست‌هزار افزایش یافت. به عبارت دیگر شمارگان این نشریه در مقایسه با آغاز انتشار آن به بیست برابر رسید و همین‌طور هفته‌نامه نوید آذربایجان که تقریباً به مسایل و مطالبات قومی علاقمند است پس از یکسال، از یکبار انتشار در هفته به دوبار انتشار در هفته تغییر یافت و نیز در عرض کمتر از ۲ سال شمارگان آن از پنج هزار به بیست‌هزار افزایش یافت که نشانگر استقبال مردمی از مطبوعات علاقمند به مسایل قومی است. مورد آخری که در بحث رفتار توده‌های اجتماعی و مردمی می‌توان به آن اشاره کرد. مربوط به تجمعات سالانه در قلعه

میزان بالای استعداد بسیج‌پذیری قومی را در مدت کم تبلیغات انتخاباتی نشان می‌دهد. انتخابات مجلس پنجم را می‌توان نقطه عطفی در ظهور گرایش‌ها و تعلقات قومی مردم تبریز در طول چند دهه پس از قضیه فرقه دموکرات تلقی کرد. در این انتخابات برخلاف انتخابات قبلی که معمولاً بین ۵۰ تا ۵۵ درصد واجدین شرایط شرکت می‌کردند، بیش از ۷۰ درصد مردم در انتخابات شرکت کردند. هیجان و شور و نشاطی که برای انتخاب فرد مورد نظر صورت گرفت تا قبل از آن سابقه‌ای در انتخابات تبریز نداشت. این در حالی بود که در انتخابات مجلس دوم خبرگان رهبری در سال ۱۳۶۹ مردم تبریز با ۳۶٪ مشارکت کمترین میزان مشارکت را در سطح کشور داشتند و همین‌طور در سومین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۷۷ کمترین میزان مشارکت از طرف مردم تبریز صورت گرفت. در صورتی که یک سال قبل در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ با توجه به برنامه‌هایی که آقای خاتمی برای بهبود وضعیت فرهنگی و مطالبات قومی داشتند و همین‌طور امیدهایی که برای اصلاحات سیاسی - اجتماعی و اقتصادی بوجود آمده بود استقبال بی‌نظیری از ایشان بعمل آمد و یکی از بالاتری آرای آقای خاتمی در سطح کشور و نسبت به دیگر کاندیداهای حاضر در انتخابات در سطح کشور بدست آمد که نشان دهنده این امر بود که رویکرد مردم فقط

جنبش رویکردی عدالت جویانه و درصدد رفع محدودیت‌های فرهنگی و اقتصادی است که در چهارچوب نظام و قانون اساسی مطرح می‌شود و نمود بارز درونی بودن جنبش و مطالبات آن را نسبت به جنبش‌های سیاسی اجتماعی قبلی آذربایجان می‌توان مشاهده کرد.

۲. از منظر پایگاه اجتماعی، فراگیر شدن و گسترش نیروی محرکه جنبش یعنی قشر تحصیل کرده و دانشجو محسوس است و روند آگاهی‌های قومی در بین جوانان و توده‌های مردمی رو به رشد است. همچنین پذیرش اهداف و مطالبات جنبش مدنی آذربایجان را در بین مقامات و نخبگان حکومتی آذری، می‌توان دید.

۳. از منظر روش‌ها و ساز و کارهای پیگیری مطالبات، فعالان قومی شیوه‌های فرهنگی و مدنی را پیش گرفته‌اند و سعی می‌کنند فعالیت‌های سیاسی را به تدریج نهادینه و تشکیلاتی کنند. از برخی رویکردهای احساساتی و عاطفی به سوی تشکل‌گرایی گرایش دارند و در این راستا فعالیت و ثبت رسمی چند تشکل سیاسی و فرهنگی را در تبریز و تهران می‌توان مشاهده کرد و همین‌طور پرهیز از درگیری و خشونت یکی از ویژگی‌های بارز این جنبش است.

نکته‌نهایی را که در پاسخ به روند مسائل قومی در کشورمان می‌توان مطرح نمود این است که: در عصر جدید همزیستی ملت‌ها و

بابک طی سه سال اخیر است. این تجمع به مناسبت تولد بابک خرم‌دین از مبارزان علیه خلافت عباسی به صورت محدود تا سال ۷۸ با چند هزار نفر برگزار می‌شد که عمدتاً برخی فعالان دانشجویی و جمعیت‌های علاقمند به فعالیت‌های فرهنگی را شامل می‌شد تا اینکه در سال ۱۳۷۹ این تجمع، وضعیت فراگیرتری پیدا کرد و به سطح جامعه گسترش یافت. در این سال طبق گزارش‌های مختلف جمعیت حاضر در قلعه بین ۳۰ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده شد و در سال بعد یعنی در ۱۵ تیرماه ۱۳۸۰، از یکصد تا دویست هزار نفر اعلام شد. همچنین در ۱۴ تیرماه ۱۳۸۱ میزان استقبال و حضور مردم در قلعه بابک که نمادی از هویت‌خواهی فزاینده و توسل به شخصیت‌های آذربایجانی محسوب می‌شود، افزایش چشمگیری یافت و طبق گزارشها و اخبار مختلف، بیش از دویست هزار نفر در این روز به قلعه بابک - تقریباً در یکصد و پنجاه کیلومتری تبریز - عزیمت کرده بودند.

## نتیجه‌گیری

در نتیجه‌گیری، وضعیت جنبش قومی را در آذربایجان به این صورت جمع‌بندی می‌کنم که:

۱. از منظر ایدئولوژی قومی فعالیت‌های قوم‌گرا در آذربایجان مبتنی بر حقوق قومی و تاکید بر اجرای اصول قانونی اساسی مرتبط با حقوق اقوام است. ایدئولوژی قومی این

منجر خواهد شد و طبیعتاً تداوم این شکاف رفته‌رفته هزینه‌هایی را برای خود نظام در قبال به انسداد کشیدن این حرکت با توجه به تجاری که در دیگر کشورها در سده اخیر وجود دارد می‌تواند به دنبال داشته باشد. بدین معنا که ممکن است پاسخهای خشن و حتی بی‌توجهی و بی‌اعتمادی کامل به حرکت مسالمت‌جویانه و مدنی و فرهنگی آن را به مطالبات غیرقانونی و یا روش‌های غیرمسالمت‌آمیز تبدیل کند و امیدواریم که نظام نیز با رویکردی عاقلانه و بر مبنای قانون اساسی به این جنبش توجه کافی داشته باشد و این حرکت را در آینده از برخی افراط‌ها و تفریط‌ها دور نگهدارد.

جوامع انسانی که ارکان ملیت مبتنی بر حقوق شهروندی و مدنی و منافع جمعی شهروندان یک کشور است ضروری است که نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به رویکرد مسالمت‌جویانه و مدنی حرکت قومی در آذربایجان - البته به غیر از برخی خار و خاشاک‌هایی که در حواشی این جنبش ممکن است ظهور نماید یا برخی از افراط‌کاری‌هایی که وجود دارد - پاسخهایی نهادی و قانونی متناسبی در قبال این حرکت داشته باشد زیرا به نظر می‌رسد در غیر این صورت به شکاف فکری و نگرشی بین فعالان این جنبش که بیشتر در بین قشر تحصیل کرده و نخبگان علمی - فرهنگی هستند با حکومت